امتیاز

دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۰
۶ صفرالحرام ۱۴۴۳ ● ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۱
شماره ۳۲۷۹ ● ۸ صفحه

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

اخبار

اولین نمایش جهانی «به من دست نزن» در چهلمین جشنواره فیلم ونکوور

فیلم کوتاه «به من دست نزن» به نویسندگی و کارگردانی آوازه شهنواز در چهلمین جشنواره فیلم ونکوور حضور دارد.

به گزارش امتیاز، فیلم کوتاه « به من دست نزن» به نویسندگی و کارگردانی آوازه شهنواز اولین نمایش جهانی خود را در چهلمین دوره جشنواره جهانی فیلم ونکوور (VIFF) خواهد داشت.

همزمان با حضور در این جشنواره، پوستر فیلم با طراحی محمد حسین هوشمندی رونمایی و منتشر شد.

چهلمین دوره جشنواره جهانی فیلم ونکوور (VIFF) از ۹ تا ۱۸ مهر مصادف با یکم تا ۱۱ اکتبر ۲۰۲۱ در شهر ونکوور کانادا برگزار می‌شود. این جشنواره یکی از رویدادهای معتبر غیررقابتی در سینمای جهان به حساب می‌آید که ساختار اصلی آن براساس الگوی جشنواره جشنواره‌ها است.

پیام احمدی نیا، نیکا شهباززاده، ابوالفضل ابهر، رها بختیاری، هیلدا کردبچه، بازیگران این فیلم کوتاه هستند.

فهرست عوامل فیلم کوتاه «به من دست نزن» عبارت است از:

نویسنده و کارگردان: آوازه شهنواز، تهیه کننده: فرید ابراهیمی، سرمایه گذار: ثروت عجمی، مجری طرح: سعید مسرور، مدیر فیلمبرداری: سالار اردستانی، مدیر برنامه ریزی: رضا گمینی، تدوینگر: احسان واثقی، طراحی و ترکیب صدا: آرش قاسمی، موسیقی: گروه اکوان بند، آهنگساز: امیرحسین محمدی، صدابردار: امید عاشوری، طراح گریم: سیامک احمدی، منشی صحنه: غزل رشیدی، طراح صحنه و لباس: نیکان خشکباری، نورپرداز: پویا اقبالی، رنگ آمیزی تصاویر: حمیدرضا فطوره چیان و برنا جمشیدی، دستیاران کارگردان: گلناز کاووسی و رضا سیدی، جلوه های ویژه بصری: نیما ممتاز، عکاس: مجید طالبی، مشاور رسانه‌ای: آزاده فضلی.

با حضور اعضای تیم ملی بسکتبال ایران؛

آیین دیدار عوامل مستند «آیدین» برگزار می‌شود

مراسم دیدار با عوامل مستند «آیدین» که اکران آن از ۲ شهریور ماه در سینماهای «هنر و تجربه» آغاز شد، روز سه‌شنبه ۲۳ شهریورماه برگزار می‌شود.

به گزارش امتیاز، فیلم مستند «آیدین» که اکران آن از ۲ شهریور ماه در سینماهای «هنر و تجربه» آغاز شد، روز سه‌شنبه ۲۳ شهریورماه با حضور تنی چند از اعضای تیم ملی بسکتبال ایران، مسئولان ورزشی و عوامل این فیلم در موزه سینما روی پرده خواهد رفت. فیلم مستند «آیدین» به کارگردانی اشکان مهریار و تهیه‌کنندگی مهدی برجیان، روایتی از زندگی آیدین نیکخواه بهرامی بازیکن فقید بسکتبال ایران با صدای پرویز پرستویی است. آیدین نیکخواه بهرامی پس از قهرمانی تیم ملی در جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۰۷ میلادی و کسب سهمیه المپیک، در حالی که تنها چندماه به حضورش به همراه تیم ملی در المپیک پکن باقی مانده بود، در جاده چالوس در یک سانحه رانندگی درگذشت. در خلاصه داستان این فیلم مستند آمده است: « فیلم مستند «آیدین» روایتی است با صدای پرویز پرستویی از زندگی بازیکن فقید بسکتبال ایران، آیدین نیکخواه بهرامی. خاطره گویی از زبان خانواده و هم‌بازی‌های آیدین نه تنها این مستند را جذاب کرده، بلکه شخصیت این اسطوره فقید را به علاقه مندان و به خصوص نسل جدید بسکتبال معرفی کرده است.» فهرست عوامل فیلم مستند «آیدین» عبارت است از: کارگردان: اشکان مهریار، تهیه کننده: مهدی برجیان، گوینده متن: پرویز پرستویی، مشاور پروژه: یوسف حاتمی‌کیا، مجری طرح: مهیار لؤلؤ، سرمایه گذار: علی ملک آرایی، مدیر تولید: کامران مدبر، دستیار کارگردان: ارژنگ درویش، موسیقی متن: مهرداد اسماعیل پور، خواننده تیتراژ: آمین، عکاس صحنه: علیرضا زینعلی، مشاور رسانه‌ای: آزاده فضلی.

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی: به دوران پیش از کرونا برنخواهیم گشت

خطری برای تعطیلی سینمای ایران

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی گفت:سینما دیگر هیچ گاه به دوران پیش از کرونا برنخواهد گشت، بلکه قوی‌تر از پیش، با یک بازوی قوی به نام ابزارهای اینترنتی کار خود را پیش خواهد برد. ما نیز ناچاریم خود را با این شرایط جدید منطبق کنیم و به جای انکار و اصرار بر ملاک های پیشین، این زیست بوم متفاوت و پسادیجیتال را به رسمیت بشناسیم.

علیرضا تابش گفت:عمده سرمایه‌گذاران فیلم‌ها از آنجا که دنبال منافع اقتصادی خود یا شهرت هستد و دغدغه فرهنگ و هنر و زنده بودن سینما را ندارند، با کوچک‌ترین اتفاقی که افتاد، از عرصه تولید کنار کشیدند و اگر بنیاد فارابی و نهادهای شبیه فارابی نبودند، این تهدید و خطر می‌توانست باعث شود سینمای ایران تعطیل شود. البته بیکاری گسترده کارکنان سالن‌ها و نبود فیلم برای سالن سینما نوعی تعطیلی است، اما فیلم دیدن که تعطیل نشده. مردم ما بیش از گذشته دارند فیلم می‌بینند. چون بسیاری از تفریحات و رفت و آمدها و دید و بازدیدها کمتر شده و همه مجبورند در خانه‌ها بنشینند و بهترین سرگرمی فیلم دیدن است. پس باید ورود فیلم‌سازان خوب را تسهیل کرد، باید به تنوع ژانر بیشتر از گذشته فکر کرد چون توجه به تنوع ژانر برای ذائقه مردم الزامی است.

در ادامه مشروح این گفتگو را می خوانیم:

*** در برخی رسانه‌های سینمایی طی این سال‌ها، فیلم‌های ارگانی اصطلاحی بود که رایج شد، بنیاد سینمایی فارابی این نوع نگاه را قبول دارد؟**

در ایران، بنیاد سینمایی فارابی به عنوان «نهاد ملی سینما» ایفای نقش می‌کند، نقشی که با اهمیت است. تشکلی که خیلی از کشورها هم دارند؛ فارابی را می توان با نهادهایی مثل سی‌ان‌سی فرانسه یا مرکز ملی فیلم فنلاند و صربستان هم‌تراز دانست. این بنیاد در حقیقت نهاد ملی سینماست. وقتی می‌گویند «فیلم‌های ارگانی» و اسم فارابی را می‌آورند، نه تنها به موضوعی اشاره می کنند که سالهاست مصداق مشخصی ندارد، بلکه از اساس برخاسته از نگاه نادرستی است. نقش ما، نقشی همچون یک متولی است و نگاهمان به سینما نیز نگاهی جامع و فارغ از سوگیری است. پیش از هرچیز باید توجه داشت که سینمای ایران، متعلق به همه سینماگران است و نه فقط یک عده خاص، در فهرست فیلم‌سازها و فیلم‌هایی که فارابی آن‌ها را حمایت کرده، طی این سال‌ها تنوع اندیشه و جغرافیا و قومیت و... را لحاظ کرده‌ایم. اگر فارابی فقط می‌آمد برای یک فیلم مشخص، صفر تا ۱۰۰ پول می‌داد، آن حرف‌ها و تلقی‌ها شاید درست بود، اما وقتی همه جریان‌های سینما دارند می‌آیند ارتزاق می‌کنند، نگاه منصفانه‌ای نیست که این فیلم‌ها را ارگانی بنامند.

این تعبیر ارگانی، ظلم به افرادی است که می‌آیند و تلاش می‌کنند تا در فضایی سخت و رقابتی که فقط فیلم‌هایی با سرمایه مبسوط می‌توانند وارد این عرصه شوند، دیده شوند، در جشنواره ها حاضر شوند و تجربه‌ی رقابت خودشان را انجام بدهند. قطعاً باید باعث افتخار سینمای ایران باشد که کارگردان فیلم اول و فیلم‌نامه‌نویسی مثل ارسلان امیری، به عنوان یک فیلم‌ساز مستعد با تلاش خودش توانسته فیلم بسازد. به کدام نهاد یا سرمایه گذاری می توان تکلیف کرد که بیاید و در حوزه فیلم های پرریسک یا متفاوتی مثل «زالاوا» یا حتی «یدو» سرمایه‌گذاری کند؟ حمایت از این آثار وظیفه نهادی به نام فارابی است، اساساً یکی از وظایف بخش های دولتی و حاکمیتی همین دست حمایت هاست. بنیاد سینمایی فارابی را نمی‌توان با نهادهای خاص همچون سازمان فرهنگی اوج مقایسه کرد. آنها خط مشی و اهداف مشخص خودشان را دارند.

و تازه به تمام این موارد، بحرانهای ناشی از بیماری کرونا و تعطیلی سالنها، و حضور پرقدرت سامانه های VOD و جریان پر زور سریال سازی را اضافه کنید تا متوجه نقش حیاتی بنیاد فارابی در حمایت و تیمار درخت پربار سینمای ایران شوید. این دست عبارات نمی تواند ما را از انجام وظایف خود بازدارد، گرچه ممکن است برخی مدیران از این طعنه ها آزرده شوند اما وظیفه و رسالت ما و بنیاد مشخص است و باید در همان جهتی که قانون و ساختار حکمرانی فرهنگی مشخص کرده است حرکت کنیم. طبیعتاً یکی از اهداف این هجمه‌ها، تخریب وتضعیف نهاد فارابی است. یعنی می‌خواهند اقدامات و تاثیرات آن را بی‌ارزش جلوه دهند. در حالی که بنیاد فارابی در خارج از ایران به عنوان یک نهاد اثرگذار و معتبر شناخته شده و به نوعی مرجعیت فرهنگی و بین‌المللی دارد.

*** شیوع کرونا چه تأثیری روی زنجیره تولید، نمایش، جشنواره‌ها و بازارهای فیلم گذاشت؟ در بنیاد فارابی چگونه با کرونا روبرو شدید؟**

در اسفند پارسال (۱۳۹۸) که یادتان است؟ برخی می‌گفتند خرداد کرونا می‌رود! ما جلسات‌مان را از نوروز سال ۹۹ آنلاین برگزار کردیم، زیست‌مان تغییر کرد، بخشی از جشنواره‌های سینمایی آنلاین برگزار شد و بخشی از جشنواره فیزیکی برگزار شد. تولید فیلم هم متوقف نشد، در دمای ۵۰ درجه جنوب و آبادان فیلم «یدو» و «دسته دختران» و چند اثر دیگر در همان روزهای سخت کرونایی تولید شد. سالی بود که در تاریخ ۳۷ ساله بنیاد سینمایی فارابی و سینمای ایران به نظرم تجربه‌ای از آن نداشتیم.

ضمناً بنیاد سینمایی فارابی، در فروردین ۱۳۹۹ نخستین نهادی بود که سند مبتنی بر مطالعات پیشینی، در مورد مخاطرات و آینده ی سینما به سازمان سینمایی ایران ارائه کرد و بسیاری از اتفاقات تلخی را که امروز شاهدش هستیم در آن سند، پیش بینی و راه حل هایی برای آن ارائه شده بود. فکر می کنم ما تنها نهادی بودیم و هستیم که چنین سندی را ارائه کرده ایم و باید در آرشیو اسناد وزارت ارشاد هم موجود باشد، اما اینکه چقدر به آن سند عمل شد، دیگر به ما برنمی گردد. ما تلاش کردیم بخشی را که بنیاد متولی آن بود تا حد مقدور انجام دهیم.

البته، پیش‌بینی می‌کردیم که سینما در سال ۱۳۹۹ با توجه به شرایط اقتصادی کشور، نسبت به سال ۹۸ یک شرایط انقباضی خواهد داشت. هم شرایط اقتصادی و تامین مالی تولید فیلم سخت‌تر می‌شود و هم شرایط ساخت و تولید مشکل‌تر می‌شود و در نتیجه نه در تولید و نه در اکران، شرایط ۹۸ تکرار نخواهد شد. با توجه به شیوع کرونا و محدودیت برای حضور مردم در سالن‌های سینما و تاثیر آن روی اکران، ما باز هم سال گذشته با توجه به وجود بنیه‌ها، ظرفیت‌ها و دیدگاه‌ها به دلیل درک شرایط پیشین و آینده‌نگری، مسیر درستی را در بنیاد فارابی پیمودیم. ما و همکاران‌مان چهارم فروردین ماه ۹۹ داشتیم سر فیلم‌نامه با هم در جلسات مجازی بحث می‌کردیم. لذا با پیش‌بینی‌هایی که انجام شد، آن دوره‌ی خواب و بی‌توجهی را به فرصت تبدیل کردیم لذا آن‌چه که برای تولیدات، در جشنواره فجر سال گذشته اتفاق افتاد، نتیجه یک برنامه‌ریزی و مدیریت به هم پیوسته، کارشناسانه و مسوولانه بود. این توجه و احساس مسوولیت اگر نبود، به راحتی چراغ سینما، سال ۹۹ و در روزگار کرونا خاموش می‌ماند. ما خیلی راحت می‌توانستیم سینما نداشته باشیم و جشنواره هم برگزار نکنیم. خیلی راحت می‌شد در سینما را بست، اما این‌گونه نشد. کما این که با یک ابلاغیه ستاد کرونا، می‌توان در تمام رستوران‌ها و خانه‌ها را هم بست. اما جامعه‌ای که زنده است، جامعه‌ای که حیات دارد و جامعه‌ای که به آینده ایمان دارد نه در خانه‌اش می‌تواند بسته بشود و نه خیابان‌هایش می‌تواند سوت و کور باشد و نه در سینمایش را می‌توان قفل کرد.

*** تکلیف این فیلم‌هایی که تولید می‌شود و در سالن‌ها اکران نمی‌شود، چیست؟**

بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در همه دنیا دچار بحران شده است. باید بحران را مدیریت کرد. این شرایط نباید ما را به سمت نیستی و مرگ هدایت کند. ما باید مقاومت بکنیم. بله! خسارت و ضرری که وارد می‌شود در جامعه تقسیم می‌شود. الان این فشار و شرایطی که وجود دارد، به تک‌تک آحاد ملت وارد شده و سازمان‌ها، ارگان‌ها، دولت و تمام نهادها تا آنجا که بتوانند، جور این خسارت را می‌کشند.

در دنیا، ما به گام های آخر این بحران نزدیک می شویم، اما زندگی و زیست بوم همه هنرها، از جمله سینما تغییر کرده است، سینما دیگر هیچ گاه به دوران پیش از کرونا برنخواهد گشت، بلکه قوی‌تر از پیش، با یک بازوی قوی به نام ابزارهای اینترنتی کار خود را پیش خواهد برد. ما نیز ناچاریم خود را با این شرایط جدید منطبق کنیم و به جای انکار و اصرار بر ملاک های پیشین، این زیست بوم متفاوت و پسادیجیتال را به رسمیت بشناسیم

*** وضعیت کشورهای خارجی در مواجهه با این بحران چگونه بوده است؟**

بحران کرونا در چند صد سال اخیر، یک تجربه ویژه برای بشر بود. حتی نمی‌شود آن را با ویروس اسپانیایی مقایسه‌اش کرد چرا که آنجا اصلاً چیزی به نام پاندمی مفهوم نداشت. پاندمی زاییده فرآیند جهانی شدن است. دیگر الان نمی‌توانید بگویید آقا! مثلاً من در سلامت باشم و برای چینی‌ها هر چه اتفاق افتاد، افتاد. در چین یک اتفاقی می‌افتد، اثراتش را در آمریکا می‌بینید. یکی از چیزهایی که فرآیند جهانی شدن، آن را تسریع کرده، همین است. الان سویه های جدید کرونا خیلی قوی، سخت و غیرقابل تحمل است... ؛ واقعیت این است که ما در کشورمان دیر عمل کردیم و مفهوم پاندمی را هیچ کدام از ما نمی‌فهمیدیم یعنی چه. برای این که خیلی خوشبینانه فکر می‌کردیم و تصورمان این بود که بالاخره یک زمان انتهایی برای این موضوع می‌توانیم تعیین کنیم؛ در حالی که چنین چیزی نبود. جزو اولین دسته‌هایی که از کرونا آسیب دیدند اهل هنر، سینمادارها، فیلم‌سازها و کسانی بودند که در حوزه تئاتر و موسیقی دارند کار می‌کنند! در این فضا کدام چشم‌انداز اقتصادی را می‌توان تصور کرد؟ رویکرد این بود که این وضعیت دوران گذرا است. البته خوشبینانه‌ترین حالت آن برای این که اقتصاد فرهنگ به حالت عادی برگردد، زمانی بین ۳ تا ۵ سال است. یعنی حداقل بین ۳ تا ۵ سال آینده ما در اقتصاد فرهنگ به حالت قبل از کرونا برنخواهیم گشت. این مدت طول می‌کشد تا از لحاظ اقتصادی به شرایط قبل از کرونا برگردیم.

مشکلی که الان وجود دارد، این است که شرکت‌های بزرگ سینمایی جهان دیگر سرمایه تولید فیلم جدید را ندارند. فیلم جیمزباند که قرار بود در نوامبر ۲۰۲۰ اکران شود، اما هنوز اکران نشده است، به خاطر این که سرمایه‌اش می‌سوزد. بیش از صد میلیون دلار هزینه کرده و این برنگشته است. اکثر فیلم‌هایی که به اکران رفتند، شکست خوردند. تنت شکست خورد، نولان شکست خورد. با این که سینماها آنجا باز بود و می توانستند تا پنجاه درصد تماشاگر بپذیرند. اما این اتفاق نیفتاد. اتفاقی که الان دارد می‌افتد، چه بخواهیم یا نخواهیم امکانی به اسم VOD Platform و نتفلیکس و آمازون وجود دارد که در دوران کرونا نمونه‌های آن چند صد برابر شده است. نمونه‌اش همین نماوا و فیلیمو در ایران. حتی شیوه تولید در نتفلیکس عوض شده به دلیل این که فرصت نمی کند حالا می‌گوید برو بساز، بیا به من بفروش! مخاطبش را صرفاً مخاطب آمریکایی لحاظ نکرده و مخاطب جهانی دارد. می‌گوید فیلم‌ساز ترک! تو بیا، برو در ترکیه فیلم بساز. من می‌خرم، با اسم نتفلیکس برایم پخش کن. اسپانیایی! تو بیا این کار را بکن. برزیلی! تو بیا این کار را بکن. مناسبات تولید فیلم‌های سینمایی و مفهوم فیلم سینمایی تغییر پیدا کرده است. تجربه‌ی فیلم دیدن دسته جمعی تبدیل به تجربه فردی و یا محدود به خانواده شده است، یا در برخی موارد شکل جدیدی از دیدن دسته جمعی فیلمها به وجود آمده که تصور آن تا پیش از این غیر ممکن بود، شما الان سری به سالن های واقعیت مجازی پخش فیلمهای سینمایی مثلا در پلتفرم BigScreen بزنید، از تمام دنیا دور هم جمع شده اند و در یک سالن واقعیت مجازی مشغول دیدن فیلمهای سینمایی هستند، حتی تصور این وضعیت در دو سال گذشته طنزآمیز به نظر می رسید. سینما از سالن و پرده فیزیکی سینما به شکل نمایش خانگی و عینک های واقعیت مجازی دآمده است. مناسبات تولید، توزیع و پخش متفاوت شده است. این هر سه را باید به شکل یک زنجیره ببینیم. بازارهای سینمایی و جشنواره‌های سینمایی هم به همین شکل تأثیر گرفته‌اند. بحث این است که آیا چیزی به اسم event سینمایی به مفهوم آن جشنواره‌های بزرگ جهانی و حتی مراسمی مثل اسکار آیا آن معنای خودش را دارد یا نه؟ به شکل یک سوال جدی دارد بحث می‌شود. آیا آن مراودات اجتماعی در شرایطی که باید فاصله‌گذاری رعایت شود و این امکان که در یک مکان بسته شما بتوانید یک تجربه جمعی را به اشتراک بگذارید محقق می‌شود یا نه! اینها همه زیر سوال رفته است؛ ممکن است حالا بعد از سال‌ها به حالت عادی برگردد. چندی پیش خانم مرکل، صدراعظم سابق آلمان در سخنان خود می‌گفت، حداقل تا دو سال دیگر این ماسک با ماست. این ماسک فقط یک پارچه نیست. این ماسک تمام مناسبات فردی و اجتماعی ما را تحت تأثیر قرار داده و اصلاً سبک زندگی و حتی سبک رفتارهای دینی ما را دستخوش تغییرات کرده است. رابطه آدم با خدا، رابطه آدم با طبیعت و رابطه آدم با خانواده و فرزندش تغییر پیدا کرده است. قطعاً سینما شاید نزدیک‌ترین مدیوم باشد که اینها را دارد نمایش می‌دهد و اثرش را باید قاعدتاً در امسال و سال‌های آینده ببینیم. اینها مباحثی است که باید به شکل جدی در سازمان سینمایی، خانه سینما و با حضور اهل فن از حوزه‌های مختلف، آسیب‌شناسی شود. بدون تعارف، در عرصه هنری تنها سرمایه بین‌المللی که ما داریم، سینما است. و اگر به هوش نباشیم این را هم از دست می‌دهیم. قدرت نرم یا صادرات اصلی فرهنگی ما سینما است. اگر این را از دست بدهیم، جایگزین آن چیست؟ باید بیشتر در موردش صحبت کنیم.

*** چشم‌اندازی برای تغییر سیاست‌های تولید و اکران وجود دارد؟**

با آسیب‌شناسی روی این معضل، می‌توان شرایط را ترسیم کرد. شیوه تولید ما تحت تاثیر تحولات تکنولوژیک، تغییر کرده است؛ ما به تولید ۱۰۰ فیلم در سال رسیده بودیم. در حالی که الزاماً همه این فیلم‌ها اکران نمی‌شود. یعنی اگر به آمار اکران نگاه کنید، ۵ تا ۱۰ درصد از فیلم‌های ما اکران می‌شوند و برای اکران در سالن، سر و شکلی دارند. تعدادی فیلم هم روی پرده می‌روند که صرفاً اکران شده باشند و مثلاً حقوق حرفه‌ای و صنفی تهیه کننده و کارگردان (که پروانه ساخت و نمایش گرفته) رعایت شود و او پاسخگوی سیستم بوروکراسی و اداری در سازمان سینمایی باشد. از آن طرف در همین شرایط و با توجه به تحولات تکنولوژی و وجود توسعه‌ی زیرساخت‌های مخابراتی یا ارتباطی و اطلاع‌رسانی در کشور، کرونا اسباب مطرح شدن جدی پلتفرم‌های رسانه‌ای شد و شیوه جدیدی از عرضه و ارائه فیلم شروع به کار کرد و در ادامه به چالش کشیدن مباحث حقوقی و طرح جدید ابعاد حقوقی فیلم‌ها در نسبت با همه‌ی ذی‌نفعان مطرح شد. از طرفی امروز در سینمای جهان وقتی بررسی می‌کنید، می‌بینید که دیگر ما با نوعی از تولیدات مواجهیم که به آن می‌گویند تولید نتفلیکسی؛ یعنی الزاماً دیگر تولید منتج به پرده سینما نباید باشد؛ یعنی تولید نمی‌شود که حتماً وارد سازوکار هالیوود و توزیع سنتی سینما شود. می‌تواند تولیدی انجام شود که برای پلتفرم‌ها ساخته شده است. البته با توجه به ابعاد اقتصادی کار در حوزه نمایش خانگی این اتفاق افتاده، اما ما می‌توانیم در تولید تک برنامه‌ها و تک فیلم‌ها به این موضوع توجه بکنیم و در واقع بیاییم بین آن رویکرد حرفه‌ای و مطالبه‌ای که در نسبت با سینمای حرفه‌ای مطرح است و نیاز اجتماعی و فرهنگی‌ای که در حوزه نمایش خانگی وجود دارد، با تغییر سیاست‌ها و رویکردهای حرفه‌ای، شیوه‌ی جدیدی را تبیین بکنیم که الزاماً همه فیلم‌ها نروند پروانه ساخت سینمایی و پروانه نمایش بگیرند و بعد بیایند پشت خط اکران و شورای صنفی و در صف اکران بمانند. باید این شرایط را مدیریت کرد و سینما به سمتی برود که تولیدات از آن مطالبه نمایش الزامی در سالن سینما و روی پرده سینما، کوتاه بیایند و از این طرف با همکاری و هماهنگی بین پلتفرم‌های سینمایی، تغییر سیاست‌گذاری‌ها و تأمین شرایط اداری و بوروکراسی تولید، به چشم‌اندازی منطقی رسید. سال ۹۸ موسسه رسانه‌های تصویری تعطیل شد. آیا وظایف این موسسه، به لحاظ اجرایی، مالی، حقوقی و مدیریتی به بنیاد سینمایی فارابی ارجاع شده یا نشده؟ این را باید از خودمان سوال کنیم که در شرایط کنونی از بنیاد فارابی چه توقعی داریم؟ آیا بنیاد آمادگی سازمانی و اجرایی این کار را دارد یا ندارد؟ ما باید این را آسیب‌شناسی و شناسایی کنیم و متناسب با ظرفیت و نیاز پاسخ مناسب را ارائه کنیم تا بحران را مدیریت کنیم.

*** حالا این آمادگی وجود دارد یا نه؟**

با توجه به شرایط کرونا و معضلی که برای اکران سینمایی آثار پیش آمده، شاید این تهدید بتواند یک فرصت را برای تولید بیشتر برای پلتفرم‌ها و فضای مجازی ایجاد کند. البته اگر سازوکارهای اقتصادی‌اش درست تعریف شود و سهم فروش فیلم‌ها و سرمایه‌گذاری در شبکه‌های VOD و پلتفرم‌ها طوری تنظیم شود که بتواند برگشت اقتصادی مناسبی برای فیلم‌ها به وجود بیاورد. امروز ارتباط مردم با پلتفرم‌ها قوی‌تر از پیش است و مخاطب هر شب و هر هفته، نیاز به دیدن فیلم و سریال جدید دارد ضمن آن که هزینه فیلم دیدن در پلتفرم‌ها نسبت به هزینه سینما رفتن بسیار کم‌تر است... علاقه مردم به فیلم دیدن، کم نشده و در دوره کرونا بیشتر هم شده است، سازمان سینمایی باید در نسبت پلتفرم‌ها با تولید کنندگان، روابط جدیدی را تنظیم کند که بتواند نیازها و مطالبات اهالی سینما را هم تأمین کند. این همه دانشجو و کارگردان و فیلم‌ساز جوان می‌توانند برای پلتفرم‌ها فیلم بسازند و تولید آثار سینمایی، تعطیل نشود. خوشبختانه سال ۹۹ این اتفاق رخ داد. عمدهٔ سرمایه‌گذاران فیلم‌ها از آنجا که دنبال منافع اقتصادی خود یا شهرت هستد و دغدغه فرهنگ و هنر و زنده بودن سینما را ندارند، با کوچک‌ترین اتفاقی که افتاد، از عرصه تولید کنار کشیدند و اگر بنیاد فارابی و نهادهای شبیه فارابی نبودند، این تهدید و خطر می‌توانست باعث شود سینمای ایران تعطیل شود. البته بیکاری گسترده کارکنان سالن‌ها و نبود فیلم برای سالن سینما نوعی تعطیلی است، اما فیلم دیدن که تعطیل نشده. مردم ما بیش از گذشته دارند فیلم می‌بینند. چون بسیاری از تفریحات و رفت و آمدها و دید و بازدیدها کمتر شده و همه مجبورند در خانه‌ها بنشینند و بهترین سرگرمی فیلم دیدن است. پس باید ورود فیلم‌سازان خوب را تسهیل کرد، باید به تنوع ژانر بیشتر از گذشته فکر کرد چون توجه به تنوع ژانر برای ذائقه مردم الزامی است. نمی‌شود فقط یک نوع سریال یا فیلم خاص نشان داد. تهدید کرونا می‌تواند برای رسیدن به تولید بیشتر، فرصت باشد به شرط آن که روابط تولید و عرضه، قوانین و مقررات وسهم فیلم ایرانی و خارجی و ... دقیق تبیین شود. آثار خارجی که به شکل غیرقانونی و بدون پرداخت کپی رایت عرضه می‌شوند، می‌تواند یک تهدید باشد. پلتفرم‌ها به راحتی فیلم خارجی را دوبله می‌کنند و آنها را با زیرنویس و با کیفیت پایین نمایش می‌دهند و پول خوبی هم عایدشان می‌شود، برای صاحبان این پلتفرم‌ها، سرمایه‌گذاری برای فیلم ایرانی، تولید فیلم ایرانی یا خرید رایت فیلم ایرانی با قیمت منصفانه و مناسب، از کمترین اهمیت برخوردار است. چارچوب تعیین کردن برای پلتفرم‌ها می‌تواند باعث شود صنعت تولید فیلم در ایران، علی‌رغم این که صنعت نمایش و عرضه در سالن سینما بخاطر کرونا به ورشکستگی رسیده، چشم‌انداز بهتری داشته باشد و مجددا رونق تولید اتفاق بیفتد. با برنامه‌ریزی درست و آینده‌نگری می‌توانیم کاری کنیم که سینما به عنوان مهم‌ترین دستاورد فرهنگی ایران، تعطیل نشود و بتوانیم یکی از تولید کنندگان بزرگ این عرصه باشیم.

یک فنجان چای داغ

زندان درونم را ببین
گزارشی از نمایشگاه هستم، آن‌چه می‌بینم در گالری مژده

کیمیا نخعی

این روزها گالری مژده میزبان نمایشگاه «هستم، آن‌چه می‌بینم» است که دیده های هنرمند عکاس را به عنوان یک اصالت وجودی زیر ذره بین برده است.

در این نمایشگاه سی و هفت اثر از عکاسان ایرانی به نمایش درآمده است. عکاسانی از چند نسل مختلف با تجارب، نگاه و سابقه‌های متفاوت نسبت به دنیا و مسائل پیرامون خود؛ هر کدام از آنها جهان‌بینی خاص خود را با ثبت لحظات توسط دوربین عکاسی به نمایش گذاشته‌اند.

هنگام ورود به نگارخانه اولین دیواری که خودنمایی می‌کند دیوار روبه‌روی در ورودی است. هفت اثر سیاه و سفید روی دیوار با سوژه های اجتماعی و فیگوراتیو مانند پرتره لیلی متین دفتری اثر احمد عالی به مخاطب خوش‌آمد می‌گویند و حس نوستالژی می آفرینند.

در کنار بیانیه نمایشگاه که بر روی دیوار زرشکی رنگ گالری نصب است اثر مریم زندی روی بوم چشم را می‌نوازد، عکسی طبیعت گرایانه که بنا به تجربه زیسته مخاطب می تواند معناهای متفاوت خلق کند با فضای خالی سفید بسیار که لحظه ناب پرواز انبوه پرندگان از درختی خوش رنگ را ثبت کرده است.

سوژه‌های آثار نمایشگاه متنوع اند اما با چیدمانی فکر شده، سوژه‌های مشابه در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و دیوار را به قسمت‌های کوچکتر با مفاهیم همگن تقسیم می‌کنند که هر چیدمان شما را با خود به دنیایی متفاوت می‌برد.

سهراب احمدی کیوریتور نمایشگاه، تم، انتخاب عکاسان و آثار را مبتنی بر اصلی می‌داند که در نقد مدرن بر اساس فضا و جغرافیا، به «خط افق» معروف است، او توضیح می دهد: « در این تفکر بین منِ خلاق، جهان پیرامون و تصویر، رابطه در ابتدا نظیر به نظیر است اما هر چه نزدیکی عکاس به تصویر بیشتر می شود خط افق زمین و آسمان یکی شده و نمی توان تشخیص داد که به راستی تصویر خلق شده، تصویری از درون عکاس است یا از برون. در واقع عکاس در این نمایشگاه اندیشه ورزی است که انتخاب هایش مبتنی بر زیبایی شناسی سنتیِ نیست. فرم و محتوا چفت و بست کامل دارند و علت آن است که هر فرم زاییدهٔ اندیشه ای است متناسب با همان فرم و چیزی جز آن بیانگری لازم را نخواهد داشت. «

عباس کیارستمی، هنرمند بین المللی ایران با منظره ای خوش رنگ از دشت‌های بکر ایران به حتم یکی از مصداق های این خط افق اندیشگی ست که با یک عکس تک نسخه در گالری مژده حضور دارد؛ این عکس زیبا و انرژی بخش با ابعاد ۲۸x۴۳ دست دل مخاطب را می گیرد و او را به دنیای فیلم هایی مانند خانه دوست کجاست می برد.

اما دردی که در عکس محمد فرنود موج می زند و» زندان درون « نام دارد و تصویری تکان دهنده از مسافران قطاری را به ما نشان می‌دهد که گویی در کوپه‌ها اسیر شده اند و برای فرار، مهاجرت را ناگزیر برگزیده اند هم خوانشی دیگر از «هستم، آنچه می بینم» است.

هر چند تماشای زاویه نگاه چهره های به نام مانند مهدی سحابی،آرمان استپانیان، سیامک زمردی مطلق، آلفرد یعقوب زاده و ... جذابیت های خاص این نمایشگاه است اما عکس های جوانان تثبیت شده ای مانند بابک حقی که سوژه هایی مانند انعکاس تصویر اجسام و درختان را روی آب آسفالت‌های شهر دیده اند تماشایی ست.

دیگر هنرمندان حاضر نمایشگاه « هستم، آن‌چه می‌بینم» شهرام احمدزاده، مهدیه افشار، رامین حائری زاده، مجید حجتی، هوفر حقیقی، سارا ساسانی، مریم سعیدپور، نازلی عباس‌پور، نازلی عباسی، فرشاد فرشته حکمت، پریسا فهامی، بابک کاظمی، مجید کورنگ بهشتی و وحید مومن‌زاده هستند که آثارشان تا ۲۳ شهریور با به تماشاست و علاقمندان با رعایت تمامی قوانین بهداشتی و فاصله اجتماعی می توانند در گالری مژده به نشانی سعادت آباد، خیابان علامه شمالی، کوچه هجدهم شرقی، پلاک ۲۷ دیدن کنند.

بهنام آخربین، مجسمه‌ساز: سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل گهر مجسمه‌سازی را به دل جامعه می‌برد

به گفته بهنام آخربین، مجسمه‌ساز، بخش عمده مردم ایران با هنرهای تجسمی به ویژه مجسمه‌سازی بیگانه هستند و سمپوزیوم‌ها با توجه به فضایی که برای بازدید و گفت‌وگوی شهروندان با مجسمه‌سازان به‌وجود می‌آورند، نقش مهمی در کم کردن فاصله مردم با مجسمه‌سازی ایفا می‌کنند.

به گزارش امتیاز، آخربین گفت: برگزاری سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل گهر یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که از سوی شرکت گل گهر برای اعتلای هنر مجسمه‌سازی در سیرجان در حال برگزاری است. امروزه در جای جای جهان شاهد برگزاری سمپوزیوم مجسمه‌سازی از سوی شهرداری‌ها هستیم، اما در ایران با وجود خلأیی که در این بخش احساس می‌شود، هرگونه فعالیتی در این حوزه ستودنی و قابل تقدیر است.

او در ادامه سخنانش با اشاره به اهمیت برگزاری سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل گهر گفت: در جریان برگزاری این سمپوزیوم ۱۶ مجسمه ساخته شد و با تداوم برگزاری این رویداد، به‌زودی سیرجان قابلیت این را خواهد داشت که به یکی از قطب‌های گردشگری فرهنگی ایران بدل شود.

این عضو انجمن مجسمه‌سازان ایران افزود: علاوه بر همراهی یک تیم حرفه‌ای در جریان اجرای رویداد، یکی از اتفاق‌های خوبی که در این سمپوزیوم رقم خورده، حضور دستیاران است.کار کردن و تجربه آموزی از ۱۶ مجسمه‌ساز حرفه‌ای فرصت مغتنمی برای این گروه از دانشجویان است. امیدوارم در آینده نزدیک در کنار سایت اصلی سمپوزیوم، نمایشی از آثار هنرمندان حاضر در رویداد برگزار شود تا بازدیدکنندگان از سمپوزیوم فرصت دیگری نیز